

پشت جبهه سلطنت گروگان — هشتم —

تحریم سیاسی اعلیحضرت

امیرفیض- حقوقدان

درهفتمین قسمت تحریر پشت جبهه سلطنت گروگان مورخ ۲۳/۱/۲۰۱۷^۱ در جهت تکمیل اشارات در تحریرات، مطالبی عرض شد اکنون به مواردی که در تکمیل آن لازم بنظر میرسد، ادامه داده میشود.

در قسمت دوم تحریر پشت جبهه در رابطه با تاثیر اظهارات آقای قریشی داور به اینکه حرضا پهلوی دیگر ادعائی ندارد، به مواردی اشاره شد که مورد چهارم آن که تاثیر اعلامیه مزبور نسبت به کل مبارزه ایرانیان بود، بدون توضیح ماند اکنون به تکمیل آن اقدام میشود.

تاثیر اعلامیه قریشی نسبت به کل مبارزه

کنکاش در تاثیر اعلامیه قریشی مبنی بر اینکه «حرضا پهلوی دیگر ادعائی ندارد» نیاز به آشنائی بیشتر با ماهیت حقوقی طرح هنری پرشت دارد.

کنگی و ابهام در طرح هنری پرشت

این تحریر تصور مینماید که در ماهیت حقوقی طرح هنری پرشت یک کنگی و ابهامی وجود دارد که باید برطرف شود. مقصود از ماهیت طرح مزبور اعتبار حقوقی آن است که رابطه مستقیم با اثرات طرح که تداوم سلطنت ایران است خواهد داشت.

ماهیت حقوقی طرح هنری پرشت

ماهیت حقوقی طرح هنری پرشت اجازه نمیدهد که به آن عنوان طرح داده شود. زیرا طرح عنوان حقوقی لایحه ای است که از طرف دولت و یا نمایندگان مجلس برای اینکه بصورت قانونی درآید به پارلمان داده میشود، مانند طرح مالیات بردرآمد و امثال آنها و می بینیم که در مورد طرح هنری پرشت چنین ضابطه رسمی وجود نداشته است.

دقت در اسناد سفارت آمریکا که طرح مزبور را اعلام کرده است نشان میدهد که جریان پیشنهاد هنری پرشت و تصویب آن جنبه نظر پیشنهادی را داشته است، یعنی رئیس مرکز ایران در وزارت خارجه آمریکا موضوع <عدم قبول انتقال سلطنت بروال قانون اساسی مشروطه بولیعهد> را به جمع حاضر در نشست وزارت خارجه (در تحریرات قبل اسامی و محل نشست عنوان شده است) پیشنهاد و قبول میگردد. از توضیح مزبور و ملاحظه جریانی که در اسناد سفارت آمریکا اعلام گردیده میتوان به ضرس قاطع گفت که تصمیم وزارت خارجه آمریکا مبنی بر عدم قبول انتقال سلطنت ایران به ولیعهد یک نظریه قبول شده است. به عبارت دیگر قانون نیست که نسخ آن نیاز به قانون دیگر داشته باشد و یا تصمیم هیئت دولت نیست که لغو آن تصویب نامه لازم داشته باشد.

شاهت طرح هنری پرشت با تحریم ها

میتوان گفت که طرح هنری پرشت بسیار نزدیک به تحریم های خودسرانه و یکطرفه آمریکا نسبت به شخصیت های کشورهاست که بمناسبت هائی رئیس جمهور و یا کنگره آمریکا آنها را وضع میکند و پس از آنکه آن مناسبت ها از بین رفت آن تحریم ها هم از اقدام ساقط میگردد.

تکلیف به موازی مناسبتها

✚ آیا آن مناسبت ها که وزارت خارجه آمریکا برخلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر و قرار داد هلسینکی به تحمیل چنین طرح و تحریمی علیه تداوم سلطنت ایران اقدام کرده هنوز هم از نظر وزارت خارجه آمریکا باقی است که در نظریه هنری پرشت تجدید نظری را لازم ندیده؟

✚ آیا از سوی ایرانیان و یا دبیرخانه اعلیحضرت هیچگاه به روال و تصمیم وزارت خارجه آمریکا که بطور مسلم متضاد با قانون اساسی آن کشور و اعلامیه جهانی حقوق بشر و قرارداد هلسینگی است اعتراضی پیگیرانه شده است؟ البته که هرگز.

✚ این دقت لازم می آید؛ درست است که تصمیم وزارت خارجه آمریکا دقیقاً متوجه نقض حقوق سیاسی و آزادی های یک شخصیت یعنی رضاشاه دوم است ولی فراموش نکنیم که عمل وزارت خارجه آمریکا نسبت به تداوم سلطنت ایران یک تجاوز از حد قانونی وزارت خارجه در نادیده گرفتن حق عمومی است که اهمیت آن بمراتب بیشتر از تعرض به حقوق شخصی است و در کلام حقوقی، موضوع، واجد جنبه عمومی است علاوه بر تعرض به حقوق شخصی یک ایرانی.

✚ سوء تفاهم

تصور اینکه، (مخالفت آمریکا با انتقال سلطنت به ولیعهد ایران ناشی از یک روال حقوق بین الملل است که چون جمهوری اسلامی از سوی آمریکا برسمیت شناخته شده پس آمریکا نمیتواند با انتقال سلطنت به ولیعهد بر مبنای قانون اساسی مشروطیت که با شورش ۵۷ آن قانون ملغی شده است! موافقت داشته باشد) یک سوء برداشت و کاملاً نادرست است.

✚ اول دلیل اینکه اگر چنین امری از تصریحات حقوق بین الملل بود، دیگر ضرورتی نداشت که وزارت خارجه آمریکا طرحی مبنی با مخالفت با انتقال سلطنت به ولیعهد به اجرا به گذارد و

بدون نیاز به تصمیم وزارت خارجه آمریکا، مصوبات حقوق بین الملل بدون نیاز به موافقت وزارت خارجه در چرخش اجرائی قرار میگیرفت و حتی قوانین داخلی کشورها هم نمیتواند ناقض و یا اجرای قوانین حقوق بین الملل را متوقف کند.

دوم؛ تحریم های شخصیت های کشورها بوسیله آمریکا نشان میدهد که آمریکا نه بر اساس ضوابط حقوق بین الملل بلکه در رابطه با منافع و تشخیص خود، تحریم ها را تحمیل اشخاص در کشورها مینماید و هیچ ضابطه و معیار قانونی در این مورد، مورد عمل آمریکا نیست.

تنها ضابطه ای که وجود دارد این است که کنگره آمریکا و شخص رئیس جمهور حق تصویب تحریم هایی علیه کشورها و شخصیت های آن کشورها را برای خود قائل شده اند و در هیچ موردی در آمریکا دیده نشده که حق تحمیل تحریم کشورها و یا شخصیت های کشورهای دیگر به وزارتخانه ها آمریکا داده شده باشد و اگر چنین حقی برای وزارت خارجه آمریکا موجود باشد سایر وزارتخانه ها هم دارای چنین حقی خواهند بود.

هدف نهائی از اشارات بالا

هدف از اشارات بالا و تخصیص این تحریر به اثرات طرح هنری پرشت، رفع موانع تحمیلی بر جریان تداوم سلطنت رضاشاه دوم است که تحریم سیاسی اعلیحضرت بوسیله طرح هنری پرشت یکی از موانع اساسی برای حرکت هدفمند مبارزه مشروع و بحق و حفظ تداوم ۲۵۰۰ ساله هویت تاریخی و فرهنگی ایرانیان است، و توجهی باشد تا:

۱- ایرانیانی که در حکومت جدید آمریکا دست مشاوره دارند از این تکلیف ملی غافل نمائند که تحریم ۴۰ ساله اعلیحضرت از فعالیت های سیاسی در انجام وظائف قانونی قانون اساسی، بدترین، رسوا ترین ننگی است که بر تارک حقوق بشروانسانی آمریکا و شرافت ملی ایرانیان نشسته است و اکنون که دولت آقای ترامپ موقعیتی را بوجود آورده که آب و هوای قبول آنرا میتوان تصور کرد، آنها تکلیف ملی و میهنی دارند که موضوع را به وزیر خارجه تازه آمریکا خاصه عمل آن وزارتخانه که خارج از صلاحیتش بوده محول و خواستار تجدید نظر در آن تحریم ها بشوند. بموازات عمل آنها البته که ایرانیان با اقدامات دموکراتیکی خود از آنها پشتیبانی خواهند نمود. به امید اقدام آنها

۲- اگر ایرانیان نزدیک و یا مشاوران حکومت جدید آمریکا نخواهند به این تکلیف ملی خود عمل کنند این تکلیف ملی و تاریخی متوجه شورای منتسب به اعلیحضرت میگردد که هم ادعای داشتن ۵۰ هزار عضو دارد و هم منابع مالی متنوع.

ولی تنها یک کسری! و اشکال قابل تصور است! و آن اینکه شورا از عمده های اجرای طرح وزارت خارجه آمریکا شکل یافته است و بهر حال چاره ای نیست جز (توسل به بد برای رفع بد تر).

جر این اقدام بنظر لازم میاید

ممکن است این سوال پیش آید که چه لزومی دارد که ایرانیان منتظرویا خواستار لغو تصمیم وزارت خارجه آمریکا درمورد تداوم سلطنت گردند و اضافه کنند که وزارت خارجه آمریکا یک کار غلط و نادرستی در ۴۰ سال قبل کرده چه لزومی دارد که ایرانیان پیگیر رفع آن شوند چرا که این اقدام میتواند نوعی رسمیت دادن به آن اقدام غیرقانونی و متجاوزگرانه آمریکا نسبت به حقوق ملی ایرانیان و شخص اعلیحضرت گردد.

این ایراد از نظر اصولی وارد است، اساسا تصمیمات وزارت خارجه یک کشور تاثیری در حقوق سیاسی افراد کشور دیگر ندارد. در همین روزها هم ناظر بودیم که تصمیم دولت آمریکا برای ایجاد تضیقاتی برای ورود افرادی از کشورها به آمریکا با مخالفت دادگاه عالی آمریکا مواجه شد.

ولی مشکل در اینجا است که در کمال تاسف ما ایرانیها آنقدر که به منافع مادی و شخصی و قدرت پیش رو اهمیت میدهم به مسائل هویتی و اعتقادی و شرافت ملی اهمیت نمیدهیم واقعا ضرب المثل (کلاه و سر) مصداق حال ماست. در تحریرات قبل دیدید که قبل از اینکه طرح هنری پرشت انتشار یابد خبرهای جسته و گریخته از آن سبب گردید که ارتشیان به رهبری ارتشبد جم از یکطرف و شخصیت های سیاسی خارج از کشور همه بدون استثناء از حمایت اعلام سلطنت اعلیحضرت طفره رفتند؛ زیرا میدانستند که آمریکا علاقه ای به تداوم سلطنت ایران ندارد، از چنین مردمی نمیتوان انتظار داشت که با وجود طرح هنری پرشت، مردانه برای حفظ تداوم سلطنت به میدان بیایند میترسند و نگرانی هانی دارند و بیشتر از همه احساس بی پشتیبانی میکنند.

ثروتمندان از کمک به مبارزه و حمایت از آن خودداری میکنند (نمونه آقای هوشنگ انصاری) شخصیت ها رفتاری را دنبال میکنند که با سیاست آمریکا نسبت به مخالفت با تداوم سلطنت منافاتی نداشته باشد. سیاستمداران کشورهای اروپایی و شخصیت های آمریکایی نیز بطور طبیعی در جهت سیاست وزارت خارجه آمریکا قرار میگیرند. شخصیت های سیاسی از عقربه های سیاست جهانی جهت میگیرند در نهایت اعلیحضرت منزوی میشوند که شده اند. رسانه های گروهی «بدست ننه نگاه کن غریبه کن» عمل میکنند آنها به سیاست آمریکا نگاه میکنند و هر قدر هم که محتاط باشند به نعل و به میخ میزنند به شهرام همایون نگاه کنید نمونه دم دست است.

زدودن ننگ

❖ از آن گذشته این یک ننگ بی سابقه سیاسی و هویتی است که یک کشوری با ادعای پاسداری از حقوق بشر به حقوق سیاسی ملتی ۳۰۰۰ ساله تجاوز کند و خودسرانه مانع تداوم سلطنت و جریان حقوق ملی آن کشور گردد و باید نسل حاضر که در جریان این ننگ تاریخی قرار داشته بهر کیفیت اثر آنرا بزدايد.

✓ افرادکشوها درروابط سیاسی با کشورهای دیگر دارای سه فرصت سیاسی هستند یک فرصت نوکری و حمایت و عاملیت از دولت کشور خارجی است. یک فرصت دشمنی و تحریم شخصیت سیاسی کشورها توسط دولت‌های خارجی است و یک فرصت که فراگیری عام دارد عدم ارتباط سیاسی مردم کشور با دول کشورهای خارجی است.

اولی باعث بدنامی و مرگ سیاسی فرد میشود - دومی سبب تضعیف موقعیت سیاسی شخص درجهان سیاست میگردد، و سومی فرصتی است که قانون و اعلامیه جهانی حقوق بشروشرافت ملی آنرا حق هر شهروندی میداند که در طرح وزارت خارجه آمریکا، اعلیحضرت از این حق محروم و درموقعیت دشمنی آمریکا با ایشان یعنی فرصت دوم قرار گرفته است.

آنچه که این تحریر به دنبال ن است رفع حصر از حقوق سیاسی اعلیحضرت توسط آمریکاست و این مهم را نباید به حساب حمایت آمریکا از اعلیحضرت گذاشت بلکه باید به پای تامین حقوق حقه سیاسی و پایان تعرض و حصر حقوق سیاسی اعلیحضرت گذاشت.

تحریم سلاح انحصاری

متاسفانه امروزه سلاح تحریم های اشخاص وکشورها عملا بصورت یک حق شناخته شده بین المللی برای آمریکا در آمده است که شرکتها و بانک های بسیار معتبر و با نفوذ کشورها و حتی کشوری مانند روسیه نمیتواند از تیررس آفات تحریم های خودسرانه آمریکا مصون مانند وتلاش میکنند که با مذاکره و بده وبستان آنرا حل و فصل کنند و تا کنون هم دیده نشده است که تحریم های آمریکا نسبت به اشخاص کشورها بوسیله حکم دادگاهی معلق شده باشد.

به دلیل و حضور موضوعی تحریم سیاسی شخص اعلیحضرت است که این تحریر مسئله اقدام ایرانیان نزدیک به دولت جدید آمریکا را برای رفع حصر از فعالیت سیاسی اعلیحضرت بر طبق تعهد قانون اساسی مطرح کرده است.

مشکل طرح رفع تحریم

✓ طرح رفع تحریم و محدودیت فعالیت سیاسی اعلیحضرت طبق تعهدات در قانون اساسی مشروطیت که در این تحریر مطرح گردید، البته که بدون مانع و برخورد بامشکلات نخواهد بود و معلوم است که مشکل ترین موضعی که میتواند طرح را با عدم موفقیت مواجه سازد اظهارات مخالف طرح و یا تکذیب تحریم های سیاسی اعلیحضرت است یعنی انکار وجود طرح هنری پرشت و شمول آن بر فعالیت اعلیحضرت ولی تصور امیدوار کننده میتواند آن باشد که اعلیحضرت در این باره از مجرای سکوت با اقدام ایرانیان برخورد کنند و دبیرخانه هم این موقعیت کاملا استثنائی را درک کند و مانند مصاحبه فوکس آنلاین شلنگ تخته نیاندازد.

تشبیه، برای قناعت طرح

همانطور که شخصی از افراد کشور که در تیررس تحریم آمریکا قرار میگیرد این تحریم در موقعیت اعتباری و فعالیت داخلی تحریم شونده ممکن است در داخل کشور و نزد معدودی از افراد اثر گذار نباشد، ولی در روابط بین المللی و معامله با کشورها و بانک ها تاثیر قاطع دارد و در راه همه بروی آن تحریم شونده بسته شود، تحریم اعلیحضرت هم همین حالت را دارد، و اگر درهای اعتقادی سلطنت رابه روی گروهی سلطنت مسدود نسازد که نساخته درهای فعالیت سیاسی سلطنت را در موقعیت فراگیری که شایسته اوست در سطح بین المللی خواهد بست که بسته است.

می بینیم حتی کسانی که شهرت بین المللی به تروریست بودن را دارند (رهبر طالبان) اولین درخواست آنها خروج از لیست تروریست بودن است چرا؟ زیرا اهمیت تحریم آمریکاست که این احساس و این خواست را مقدم بر همه درخواستهای رهبر طالبان قرار داده است.

تحریم سیاسی اعلیحضرت همانند بیماری خوره است که برای همه این تصور بوجود میآید که پیروی و یا تماس با اعلیحضرت بعنوان پادشاه ایران گرفتار بیماری خوره یعنی بی مهربی و غضب آمریکا خواهند شد.

نگاه کنید همه کسانی که در عین مخالفت با جمهوری اسلامی گرد اعلیحضرت جمع شده اند در تائید همان سیاست آمریکا اعلیحضرت را رضا پهلوی میدانند که گرفتار بیماری خوره آمریکائیها نشوند حتی یکنفر را غیر این روش نمیتوانیم پیدا کنیم حتی آنها که به کمک مالی شخص اعلیحضرت از زندان های جمهوری اسلامی فراری داده شده و سالها هم از قبل اعلیحضرت معیشت داشته اند > بردیا قلابی - امید دانا < قبله سیاسی آنها سیاست آمریکا نسبت به قطع تداوم سلطنت است (به فعالیت نامه هشدار رجوع شود).

دو تا شاهد

شهادتی را که اکنون به آن میپردازیم یک نمونه عمومی از سرسپردگی شخصیت های ایرانی به سیاست آمریکاست که توجه به آن سبب اعتبار اشارات در این تحریر خواهد بود.

شهادت اول احمد قریشی

▪ طرح هنری پرشت (تحریم تداوم سلطنت بروال قانون اساسی) در سال ۱۳۵۸ یعنی یکسال قبل از اعلام سوگند سلطنت اعلیحضرت جریان یافت و محو اصلی آن عبارت بود از > ایالات متحده آمریکا ادعای وی را بر تاج و تخت ایران برسمیت نمیشناسد <.

▪ اعلیحضرت در آبان سال ۵۹ علیرغم تحریم تداوم و انتقال سلطنت به ولیعهد قبول سلطنت فرمودند.

بنابراین در سال ۵۹ به بعد دیگر موضوع ادعای سلطنت قابل عنوان کردن نبوده و ادعای سلطنت همانطور که در طرح هنری پرشت آمده مربوط به زمانی بوده که ادعا قابل طرح بوده است نه بعد از سال ۵۹ که اعلیحضرت در مقام سلطنت سوگند یاد کرده است؛ در کلام دیگر اتیان سوگند و اعلام سلطنت دیگر جانی برای ادعا نمیگذاشته است.

▪ ولی بروشنی می بینیم که احمد قریشی >از رابطین مورد اعتماد آمریکا = اسناد سفارت آمریکا) در سال ۱۳۶۶ یعنی حدود ۷ سال بعد از سوگند سلطنت که دیگرجائی برای ادعای سلطنت باقی نبوده زیرا فصل ادعا تا زمان اعلام سلطنت و سوگند آن قابل طرح است نه چندسال بعد از آن. آنها با توجه به اینکه هیچ مدعی برای سلطنت وجود نداشته معهدا احمد قریشی به احمد مدنی گفته است: <رضا پهلوی ادعائی ندارد و خودرا هم رضا پهلوی میداند.>

▪ احمد قریشی رابط و مامور سیاست آمریکا در جریان شورش ۵۷ با آنکه مسئله ادعای سلطنت بعد از سوگند سلطنت دیگرمنتفی بوده است معهدا برای نشان دادن خوشخدمتی به وزارت خارجه آمریکا همان عبارت ادعای سلطنت را که در طرح هنری پرشت بکار رفته او هم در اظهارات خود عینا بکار برده است.

تردید نیست که احمد قریشی که زمانی استاد دانشگاه تهران بوده میدانسته که بعد از اتیان سوگند سلطنت؛ دیگر مسئله ادعا قابل طرح نیست و مهمتر اینکه اساسا در قانون اساسی مشروطه به اعتبار صراحت آن قانون فصل ادعا مفقوده است معهدا قریشی برای نشان دان نوکری و اطاعت از سیاست آمریکا از همان عبارت ادعای سلطنت در اعلام خودش استفاده کرده است.

نوکری در این حد؟

تصور نمیکنم بتوان نمونه ای از آن یافت؟ قریشی رئیس و مسنول دبیرخانه اعلیحضرت بوده و یا اینطور خود را معرفی کرده است، آیا باید بجای مقاومت در مقابل طرح هنری پرشت به این سادگی وا بدهد؟ آری وقتی شرافت و مردانگی نبود و جایگزین آنها عبودیت و نوکری بیگانه بود چرانه.

شاهد دیگر در نادار حسب الهی

داستان حبیب الهی را همه میدانیم؛ او مترجم هایزر در رابطه با هایزر و فرماندهان ارتش و در نهایت اجرای توطئه بیطرفی ارتش بود و بیش از هرکس از حقیقت ماموریت و مذاکرات محرمانه و آشکار هایزر با فرماندهان ارتش و قریباغی آگاه بود تا زنده بود از آگاه ساختن مردم اجتناب کرد و آنها را که در تاریخ شفاهی بازگو کرده بود؛ انتشارش را به زمان بعد از مرگش موکول ساخت و معلوم نیست چه کرد که بعد از فوت او هم چیزی از آن اسرار و مکالمات فاش نشد یعنی حد وفاداری حبیب الهی فرمانده نیروی دریائی ارتش شاهنشاهی ایران به آمریکا به زمان بعد از مرگش و تبدیل جسمش به استخوان پوسیده هم وفاداری او به سیاست و لینعمتش ادامه یافت. محال است بتوان نمونه ای این چنین وفادار به بیگانه علیه منافع کشور در جهان یافت.

غفلت عام

در فرصت دیگر